

لیگی که در آن نه بالا آرام است، نه پایین قابل پیش‌بینی

جدول بی‌قرار

هفته بیستم لیگ برتر، یکی از عجیب‌ترین مقاطع فصل را رقم زد؛ جایی که جدول نه نشانی از ثبات دارد و نه به هیچ تیمی اجازه نفس راحتی می‌دهد. نتایجی که ثبت شد، نه‌تنها معادلات بالای جدول را فشرده‌تر کرد، بلکه نیمه پایین را به میدان مین تبدیل کرد. در هفته‌ای پرگل، بدون حتی یک تساوی، لیگ نشان داد وارد فازی شده که هر امتیاز می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد.

■ قله شلوغ با ۵ مدعی

بالای جدول، وضعیت به شکلی کم‌سابقه پیچیده شده. تراکتور با وجود شکست، همچنان صدر را حفظ کرده؛ اتفاقی که خودش هم شاید انتظارش را نداشت اما این صدرنشینی شکننده است. استقلال و سپاهان با امتیازی برابر، درست پشت سر تراکتور ایستاده‌اند؛ ۲ تیمی که با بردهای سخت و نفسگیر، دوباره به کورس برگشتند و ناکامی‌های قبلی را تا حدی جبران کردند. در این میان، پرسپولیس و گل‌گهر بیش از همه حسرت خوردند. نتایج دیگر رقبا، فرصت طلایی صعود به صدر را برای‌شان مهیا کرده بود اما هر دو لغزیدند. پرسپولیس در انزلی شکست خورد و گل‌گهر هم مقابل فولاد متحول شده، بازی را واگذار کرد. حالا فاصله ۵ تیم بالای جدول به حداقل رسیده و عملاً لیگ وارد مرحله‌ای شده که یک برد می‌تواند تیمی را مدعی اول کند و یک باخت، آن را چند پله پایین بکشد.

نکته قابل توجه، حضور گل‌گهر در این جمع است؛ تیمی که نه با هیاهوی مدعیان سنتی، بلکه با ثبات و نظم، خود را به جمع بالانشینان تحمیل کرده و حالا نقش «همپان خواننده» را بازی می‌کند.

■ نه رؤیای جام، نه کابوس سقوط

در میانه جدول، ۳ تیم در وضعیتی خاکستری قرار گرفته‌اند. چادرملو، ملوان و فجر شهید سپاسی نه آنقدر امتیاز دارند که سودای قهرمانی در سر ببروانند و نه آنقدر لغزیده‌اند که نگران سقوط باشند. این تیم‌ها حاشیه امن نسبی ساخته‌اند اما فاصله‌شان با مدعیان بالا آنقدر هست که رسیدن به آنها نیازمند یک جهش جدی باشد.

احتمالاً سرنوشت این ۳ تیم، ایستادن در میانه جدول است؛ جایی دور از تیت‌های بزرگ اما با فصولی قابل قبول. آنها بیش از هر چیز، نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت دیگران خواهند داشت؛ تیم‌هایی که می‌توانند مدعیان را متوقف کنند یا تیم‌های پایین‌تر را به قعر هل بدهند.

■ ۷ تیم دچار کابوس مشترک

اما جابجاب‌ترین و البته بی‌رحم‌ترین بخش جدول، پایین آن است. جایی که تراکم امتیازها به شکل عجیبی بالاست و با ۲ باخت متوالی، ممکن است تیمی از رتبه دهم به منطقه سقوط پرتاب شود. فولاد با جهشی محسوس در نیم‌فصل دوم، کمی نفس کشیده و فاصله‌ای امن‌تر ساخته اما هنوز هیچ چیز قطعی نیست.

خیبر برخلاف فولاد، مسیر معکوس را طی کرده و با فتنی محسوس، حالا خودش را در مرز خطر می‌بیند. پیکان، استقلال خوزستان، شمس‌آذر، آلمینیوم و ذوب‌آهن، همه درگیر نبردی فرسایشی هستند؛ جنگی که بیشتر از کیفیت فنی، به اعصاب، مدیریت بحران و اشتباه نکردن گره خورده است. هر امتیاز برای این تیم‌ها حکم طلا را دارد و هر لغزش، می‌تواند حکم سقوط را امضا کند.

■ وقتی معجزه تنها راه است

در انتهای جدول، مس رفسنجان در وضعیتی ایستاده که بیش از هر چیز، بوی ناامیدی می‌دهد. امتیازها اندک است، فاصله با منطقه امن زیاد و بازی‌های اصطلاحاً ۶ امتیازی از دست رفته‌اند. حالا نارنجی‌پوشان برای بقا، بیش از برنامه و تاکتیک، به معجزه نیاز دارند.

■ هیچ چیز زودتر از موعد تمام نمی‌شود

لیگ بیست‌وپنجم نشان داده نه قهرمانش از حالا مشخص است و نه سقوط‌کننده‌هایش. جدول هر هفته می‌لرزد و معادلات دوباره نوشته می‌شود. تنها قطعیت این است که آرامش، جایی در این لیگ ندارد؛ نه برای مدعیان جام و نه برای تیم‌هایی که برای بقا می‌جنگند.

خبر

پول‌باران النصر برای عصر پسارونالدو

باشگاه النصر عربستان هم‌زمان با افزایش گاهه‌زنی‌ها درباره جدایی کریستیانو رونالدو، وارد فاز جدیدی از نقل‌وانتقالات شده و به دنبال ساختن چهرهای تازه برای دورحان پس از فوق‌ستاره پرتغالی است. رسانه انگلیسی Liverpool گزارش داد مدیران النصر مذاکره برای جذب محمد صلاح را آغاز کرده‌اند؛ انتقالی که می‌تواند یکی از پرهزینه‌ترین جابه‌جایی‌های تاریخ فوتبال آسیا باشد.

براساس این گزارش، النصر پیشنهادی با دستمزدی ۳ برابر حقوق فعلی صلاح در لیورپول ارائه داده است؛ رقمی که به صورت هفتگی به یک میلیون و ۲۰۰ هزار پوند می‌رسد. گفته می‌شود این پیشنهاد در صورت نهایی شدن جدایی رونالدو، روی میز ستاره مصری قرار خواهد گرفت.

در سوی دیگر، رونالدو هفته‌های اخیر با نارضایتی از سیاست‌های مالی صندوق سرمایه‌گذاری عربستان، از بازی در چند مسابقه لیگ خودداری کرده‌او معتقد است توزیع منابع مالی به سود اهللال بوده و این مساله قدرت رقابتی النصر را کاهش داده است. به‌نظر می‌رسد مدیران النصر با هدف حفظ وزن تبلیغاتی و فنی تیمی آماده‌اند بخشی بزرگی از بودجه آزادشده پس از رونالدو را صرف جذب صلاح کنند؛ انتقالی که می‌تواند معادلات فوتبال عربستان را وارد مرحله‌ای تازه کند.

تعویض‌های اوسمار و سقوط آزاد پرسپولیس

منفی به جای صفر



اصلی پرسپولیس در تمرینات است. افت بدنی و ذهنی گسترده بازیکنانی که خوب بودند، افت کرده‌اند و ذخیره‌هایی که باید انرژی بیاورند، فاجعه‌اند. فاجعه به معنای دقیق کلمه؛ بدتر از بد. قصه تعویض‌های این تیم حکایت همین جابه‌جایی است:

صفر می‌رود؛ منفی می‌آید!

و حالا پرسش نهایی: آیا اوسمار درمانی برای این درد دارد یا نه؟ تنها خوش‌شانسی پرسپولیس این است که فعلاً هیچ تیمی برای قهرمانی استارت جدی نزده، هر تیمی که زودتر این جسارت را پیدا کند، قهرمان خواهد شد. چون آنچه امروز در بالای جدول می‌بینیم، هیچ کدام نشانی از اقتدار یک صدرنشین واقعی ندارد.

■ این ۲ چرا کنار هم هستند؟

علی علیپور و ایگور سرگی‌یف هر ۲ روای جام‌جهانی را در سر دارند. هر ۲ می‌خواهند گل بزنند، دیده شوند و انتخاب شوند. نتیجه؟ خودخواهی طبیعی در زمین. شاید ذات فوتبال‌شان همین باشد اما اصرار اوسمار بر استفاده همزمان از این دو، یکی از بزرگ‌ترین علامت سؤال‌هاست. علیپور ۳ موقعیت مسلم داشت؛ موقعیت‌هایی که می‌توانست باخت را به برد تبدیل کند اما همه را بد و عجولانه زد. سرگی‌یف در آن سوی خط حمله محو بود؛ نه موقعیت‌ساخت، نه تأثیر گذاشت. طبیعی هم هست؛ او تازه آمده و هنوز با تیم بیگانه است. شاید مساله از فرد و تعویض‌ها هم فراتر رود. شاید مشکل

بود – جان‌شنینش نمایشی ضعیف‌تر ارائه کرد. هر تعویض اوسمار، یک نمره از پرسپولیس کم کرد. خداینده‌لو واقعا مهندس نیمه دوم بود؟ سرلک چند پاس تودر داد؟ اوسمار خلاقیت را از میانه میدان گرفت و دل خوش کرد به تاکتیک هر چه پیش آید.

ارونوف یکی از نیمکت بازی‌هایش را انجام داد اما با آمدن کاظمیان، اوضاع بدتر شد. داستان میلاد محمدی و معامله‌گری هم دقیقاً همین است؛ تغییر بدون ارتقا. تنها چیز ثابت در پرسپولیس این هفته‌ها، توپ‌هایی است که به علی علیپور می‌رسد و به سادگی از دست می‌رود. این تنها وجه اشتراک بازی‌های اخیر است.

چرانوسان پرسپولیس ادامه دارد و آنها راحت می‌بازند؟

بدون راه‌حل

الگوی سینوسی که اجازه نمی‌دهد تیم حتی به ثبات نزدیک شود. این تیم، دست کم در مقطع فعلی، بیشتر شبیه یک مدعی درجه ۲ است تا قهرمان بالامناز.

واقعیت تلخ‌تر این است که اگر سایر مدعیان هم دچار افت نبودند، فاصله پرسپولیس با صدر جدول می‌توانست بسیار بیشتر باشد. شرایط فعلی لیگ، به سرخ‌ها لطف کرده؛ نه آنها به لیگ.

■ معضل همیشگی: بیرون از خانه

اگر بخواهیم نقطه تارک کارنامه اوسمار را دقیق‌تر بررسی کنیم، باید به بازی‌های خارج از خانه نگاه بیندازیم. پرسپولیس در ۵ هفته اخیر، ۳ شکست داشته که هر سه خارج از تهران رقم خورده. این آمار، فقط ضعف در نتیجه‌گیری نیست؛ نشانه‌ای از ناتوانی تیم در مدیریت فشار، حفظ تمرکز و بستن بازی در زمین حریف است. در این دیدارها، خط دفاع شکننده‌تر از همیشه ظاهر شده و خط حمله، کماثر و قابل پیش‌بینی بوده است. مجموعه‌ای از مشکلات که باعث شده بازی خارج از خانه، به کابوس ثابت پرسپولیس اوسمار تبدیل شود.

پرسپولیس حالا در نقطه‌ای ایستاده که انتخاب‌هایش سرنوشت‌ساز شده‌اند. ادامه این مسیر سینوسی، قهرمانی را به یک رؤیای دور تبدیل می‌کند. تیمی که میان «بد» و «بدتر» در نوسان است، اگر تغییری جدی در تفکر و اجرا نداشته باشد، خیلی زود باید از رؤیای قهرمانی عبور کند؛ حتی اگر هنوز فصل تمام نشده باشد.

این شکست‌ها برابر تیم‌هایی رقم خورده که روی کاغذ، مدعی محسوب نمی‌شوند: فجر سپاسی، فولاد و حالا ملوان. اما مساله فقط نتیجه نیست؛ شکل باخت‌ها آزاردهنده‌تر است. پرسپولیس در این بازی‌ها نه ایده مشخصی برای حمله داشته و نه ساختار دفاعی مطمئنی. تیمی که زمانی به کنترل بازی و مدیریت لحظات معروف بود، حالا با بی‌برنامه حمله می‌کند یا با یک اشتباه فردی فرمی ریزد. همین نمایش‌هاست که سوال‌های جدی درباره توان فنی اوسمار ایجاد کرده؛ سوال‌هایی که دیگر فقط زمزمه نیست.

■ پرسپولیس معمولی؛ فاصله تا قهرمانی

اعداد، بی‌رحم‌تر از هر تحلیلی واقعیت را نشان می‌دهند. پرسپولیس بعد از ۲۰ هفته، فقط ۳۴ امتیاز دارد؛ میانگینی که با استاندارد قهرمانی در لیگ برتر فاصله‌ای معنادار دارد. سرخ‌ها بارها فرصت رسیدن به صدر جدول را داشتند اما بار بار به شکلی غیرمنتظره، اوسمار مانع شدند.

حالا پرسپولیس پایین‌تر از تراکتور، استقلال و سپاهان ایستاده؛ بدون نشانه‌ای روشن از برتری نسبت به این رقبا. بدتر از آن، نوسان شدید در نتایج است. در ۵ بازی اخیر، پرسپولیس یکی در میان برده و باخته؛

که به همکاری‌اش با بوریرام تایلند پایان داده بود و بازگشتش به پرسپولیس، بیشتر شبیه یک رؤیای آشنا برای هواداران بود. ورود اوسمار، موجی از امید ایجاد کرد. پرسپولیس که در دوران هاشمیان محتاط و کم‌ریسک بود، ناگهان نشانه‌هایی از جسارت و فوتبال هجومی بروز داد. همین تغییر لحن تاکتیکی کافی بود تا تصور شود قهرمانی زودتر از موعد در دسترس است؛ به‌خصوص در فصلی که دیگر مدعیان هم ثبات لازم را ندارند. اما این ماه عسل کوتاه بود. اوسمار خیلی زود به همان نقطه‌ای رسید که پیش از او مربیان دیگر رسیده بودند: ترس از باخت. سرمربی برزیلی، با استناد به نداشتن مهره‌های ایده‌آل، عقب‌نشینی تاکتیکی را انتخاب کرد و وعده داد نیم‌فصل دوم، زمان پرسپولیس تهاجمی خواهد بود. وعده‌ای که تا امروز، بیشتر شبیه یک شوخی تلخ بوده است.

■ نیم‌فصل دوم؛ کابوسی که تمام نمی‌شود

شروع نیم‌فصل دوم برای اوسمار، چیزی شبیه فرو رفتن در شن‌های روان بود. ۵ بازی، ۳ شکست؛ آماری که نه‌تنها نگران‌کننده است، بلکه برای تیمی با ادعای قهرمانی، فاجعه محسوب می‌شود. عجیب‌تر آنکه

شکست در انزلی فقط یک باخت ساده نبوده؛ نه برای جدول، نه برای روحیه و نه برای آینده‌ای که قرار بود روشن‌تر از این باشد. پرسپولیس در دیداری که می‌توانست سکوی پرتابش به صدر جدول باشد، مقابل ملوان مغلوب شده؛ با یک گل. نتیجه‌ای که باعث شد سرخ‌ها با همان ۳۴ امتیاز در رده چهارم باقی بمانند؛ هرچند برد فولاد برابر گل‌گلر مانع سقوط بیشتر‌شان شد اما اصل ماجرا چیز دیگری است: پرسپولیس این روزها شبیه تیمی نیست که سودای قهرمانی داشته باشد.

این چهارمین شکست فصل سرخ‌پوشان بود؛ آماری که وقتی کنار سومین باخت اوسمار ویرا روی نیمکت پرسپولیس قرار می‌گیرد، معنایی فراتر از یک لغزش مقطعی پیدا می‌کند. مربی‌ای که با وعده بازگرداندن تیم به مسیر قهرمانی آمد، حالا خودش در مرکز تردیدها ایستاده است.

■ از تغییر هیجان‌انگیز تا بازگشت به احتیاط

پرسپولیس فصل‌را با وحید‌هاشمیان آغاز کرد؛ انتخابی که خیلی زود به بی‌بست رسید. ۸ هفته، چندین تساوی نامیدکننده و فوتبالی محافظه‌کارانه کافی بود تا پروژه هاشمیان ناتمام بماند. درست در همان مقطع، نام ویرا دوباره بر سر زبان‌ها افتاد؛ مربی برزیلی‌ای

جامی که آسیا را فتح کرد اما به آینده فوتسال درس داد

قهرمانی با تپش قلب

می‌شد، کار هرگز به پنالتی نمی‌کشید. ضعف در وارد کردن ضربه نهایی، چیزی نیست که بتوان آن را به شانس یا اتفاق نسبت داد؛ نشانه‌ای است از ایرادی عمیق‌تر در تمرکز و تصمیم‌گیری.

■ جام بالا رفت، هشدار باقی ماند

بی‌تردید فوتسال آسیا در حال رشد است. فاصله‌ها کمتر شده و رقبا جسورتر بازی می‌کنند اما این واقعیت، توجهی برای لغزش فوتسال ایران نیست. اگر دیگران یک قدم جلو می‌آیند، ایران باید چند قدم بردارد. حفظ جایگاه اول، با تکرار جام ممکن نیست؛ با برنامه‌ریزی، پشتوانه‌سازی و نگاه بلندمدت ممکن می‌شود.

این قهرمانی، افتخار است اما هم‌زمان هشدار. جام بالا رفت اما سؤال‌ها همچنان مانده‌اند. سؤال‌هایی درباره دفاع، تمرکز، استفاده از موقعیت‌ها و آینده‌ای که اگر امروز برایش تصمیم گرفته نشود، فردا با جام هم آرام نخواهد شد.

خطر را به صدا درمی‌آورد. تیمی که در رده‌های بالای فوتسال جهان ایستاده، نباید اینچنین آسیب‌پذیر باشد. ساختار دفاعی ایران بارها فروریخت؛ ضدحمله‌ات ساده، بازگشت‌های کند و ناهماهنگی‌هایی که در تورنمنتی فشرده، می‌توانست نه به ثبوت حذف تمام شود.

■ فرصت‌هایی که سوخت

در فاز هجومی، تیم ملی مشکل خلق موقعیت نداشت. توپ می‌چرخید، فضا ساخته می‌شد و موقعیت‌ها یکی پس از دیگری شکل می‌گرفت. اما گر که درست در لحظه آخر بود. در فینال، چند فرصت مسلم وجود داشت که اگر به گل تبدیل



صدرنشینی، همه چیز را آرام و قابل پیش‌بینی نشان می‌داد اما با ورود به مراحل حذفی، تصویر تغییر کرد. ازبکستان، عراق هر کدام به شکلی، تیم ملی را تا مرز لغزش بردند و فینال برابر اندونزی، نقطه اوج این فرسایش بود؛ دیداری که نه با برتری فنی، بلکه با پنالتی و اعصاب فولادی به پایان رسید.

■ گل زیاد اما دروازه ناآرام

۲۷ گل زده، عددی چشمگیر است اما ۱۴ گل خورده در جریان مسابقات و ۴ گل دریافتی در ضربات پنالتی فینال، رنگ

قهرمانی چهاردهم تیم ملی فوتسال ایران در جام ملت‌های آسیا، در ظاهر تلاوم یک سلطه تاریخی است؛ عددی بزرگ، افتخاری تکراری و جامی که بار دیگر به ویت‌ترین فوتسال ایران اضافه شد اما پشت این تصویر طلایی، واقعیتی نهفته است که نمی‌توان با لبخند از کنارش گذشت. این قهرمانی بیش از آنکه یادآور اقتدار باشد، بوی اضطراب می‌داد؛ جامی که دل فشار، تردید و لحظات نگران‌کننده بیرون آمد.



گروه ساده تا فینال برتش

ایران مرحله گروهی را بی‌دردرس پشت سر گذاشت؛ مالزی، عربستان و افغانستان حرف‌های نوبند که در محاسبات، خطر بزرگی محسوب شوند. صعود مقتدرانه، گل‌های بر تعداد و

وضعیت صدر جدول لیگ برتر

فوتبال ایران این روزها بسته به تک امتیازها شده، تقاض گل و حداقل امتیازات، رده‌بندی ۵ تیم بالای جدول را شکل داده است؛ این رقابت نزدیک، ناشی از حرکت نوسانی این تیم‌ها است، نه جذابیت فوتبال در بازی‌ها و رقابت‌شان. میانگین امتیازی ۳ تیم بالای جدول تا هفته بیستم لیگ از عدد ۷۵٫۱ فراتر نمی‌رود!

در بین تیم‌های مدعی در این هفته فقط استقلال و سپاهان موفق شدند رقبای خود– شمس‌آذر قزوین و خیبر خرم‌آباد– را شکست دهند و تیم‌های تراکتور (صدرنشین فعلی)، پرسپولیس و گل‌گهر سیرجان برابر فجر شهید سپاسی، ملوان و فولاد باختند تا اولی فرصت تحکیم



#	تیم	بازی	تفاضل	امتیاز
۱	 تراکتور	۴۰	۱۷	۳۵
۲	 سپاهان	۴۰	۱۱	۳۵
۳	 پرسپولیس	۴۰	۹	۳۵
۴	 گل گهر	۴۰	۷	۳۴
۵	 چادرملو اردکان	۴۰	۳	۳۳
۶	 ملوان	۴۰	-۷	۳۸
۷	 فجر سپاسی	۴۰	-۱	۳۷
۸	 فولاد	۴۰	۴	۳۵

این دیدار قابل تحسین بود.

فولاد خوزستان که با رفتن یحیی گل‌محمدی، حیاتی

دوباره یافته هم با پیروزی برابر گل‌گهر آنها را از رسیدن

به صدر محروم کرد. فولادی‌ها با ایسن برد ۲۵ امتیازی

شدند و به رتبه نهم جدول صعود کردند. فولاد با حمید

مطهری در این ۵ بازی شکستی نداشته و ۲ برد و ۳

تساوی کسب کرده است. این تیم که نیم‌فصل اول فقط

۵ بار برابر رقبا پیروز شد و تنها ۷ گل به ثمر رسانده بود،

با ۱۰ گل زده تا اینجای نیم‌فصل دوم، عنوان گلزن‌ترین

تیم را از آن خود کرده؛ آنها به تیمی ۳ گل زده که متبخر

در بازی دفاعی است.

تیم‌های بالای جدول این روزها مقابل رقبایی امتیاز از

دست می‌دهند که انتظار ندارند و تیم‌هایی در این هفته‌ها

گول کش شده‌اند که کمتر کسی تصور می‌کرد.